

www.ketab.ir

# فمینیسٹ مالی

مناسبات شغلی نابرابر را به چالش  
بکش تا به استقلال مالی برسی

نویسنده: توری دانلپ

مترجم: منصور بیگدلی



تهران، خیابان انقلاب، خیابان  
دانشگاه، کوچه قدیری  
پلاک ۱۶، واحد اول  
تلفن: ۶۶۹۶۳۸۴۵-  
۶۶۴۹۸۵۷۹-۶۶۴۹۸۷۲۸  
کدپستی: ۱۳۱۴۷۸۳۷۱۱  
baharesabz.com  
@baharesabzpub

## فمینیست مالی

مناسبات شغلی نابرابر را به چالش بکش تا به استقلال مالی برسی

نویسنده: توری دانلپ

مترجم: منصور بیگدلی

ویراستار: بهزاد مردآزاد ناو، شکبیا عسگریور

طراحی داخلی کتاب: استودیوزاغ - یاسر عزآباد

طراح جلد: استودیوزاغ - یاسر عزآباد

لیتوگرافی: سحر گرافیک

چاپ: ناژو

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۹,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۱۶-۶۱-۹

حق چاپ محفوظ است.

سرشناسه: دانلپ، توری

Dunlap, Tori

عنوان و نام پدیدآور: فمینیست مالی: به مناسبات شغلی مردسالارانه غلبه کن تا کنترل پولت را به دست بگیری و زندگی دلخواهت را بسازی / نویسنده توری دانلپ؛ مترجم منصور بیگدلی؛ ویراستار بهزاد مردآزاد ناو.

مشخصات نشر: تهران: بهار سبز، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۰۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۱۶-۶۱-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Financial feminist: overcome the patriarchy's bullsh\*t to master your money and build a life you love, 2022.

موضوع: زنان -- امور مالی شخصی

Women -- Finance, Personal

امور مالی شخصی

Finance, Personal

فمینیست ها

Feminists

شناسه افزوده: بیگدلی، منصور، ۱۳۵۶ - مترجم

رده بندی کنگره: HG1V9

رده بندی دیویی: ۳۳۲/۰۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۹۵۱۵۵

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Financial feminist:  
overcome the  
patriarchy's  
bullsh\*t to master  
your money and  
build a life you  
love



[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

- \_\_\_\_\_ فصل یکم
- \_\_\_\_\_ فصل دوم
- \_\_\_\_\_ فصل سوم
- \_\_\_\_\_ فصل چهارم
- \_\_\_\_\_ فصل پنجم
- \_\_\_\_\_ فصل ششم
- \_\_\_\_\_ فصل هفتم

فصل هفتم

فصل هفتم در بیان...

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۷   | تمجیدهایی از این کتاب     |
| ۱۰  | پیشگفتار مترجم            |
| ۱۲  | پیشگفتار                  |
| ۱۹  | عواطف پول                 |
| ۵۸  | خرج کردن                  |
| ۹۱  | طرح بازی مالی             |
| ۱۲۶ | بدهی                      |
| ۱۶۲ | سرمایه‌گذاری              |
| ۲۰۷ | کسب درآمد                 |
| ۲۵۸ | زندگی به سبک فمینیست مالی |
| ۳۹۸ | پسگفتار                   |
| ۳۹۹ | واژگان                    |
| ۳۰۶ | درباره‌ی نویسنده          |

## پیشگفتار مترجم

زنان، نیمی از جامعه هستند که اغلب به حاشیه رانده شده، دست کم گرفته شده و حتی سرکوب شده‌اند. یکی از موارد این ظلم سیستماتیک، مسائل مالی است: یعنی حقوق، مزایا و سایر مسائل مالی. می‌توان از دو جنبه بر این نابرابری غلبه کرد: نخستین مورد، تلاش فردی برای ارتقای وضعیت مالی است و مورد دیگر، تلاش برای تأثیرگذاری بر جامعه و قانونگذاران، آن هم با هدف ایجاد تغییراتی بنیادین است. موفقیت فردی در حوزه مالی، به ویژه برای زنان، نیازمند آموزش و راهنمایی است، چرا که در جوامع مردسالار و مردمحور، کمک چندانی به زنان نمی‌شود. وقتی زنان جامعه‌ای توانمند شوند، به خودباوری برسند و اعتماد به نفس پیدا کنند، خود به خود جامعه ارتقا یافته و برابری بیشتری در آن ایجاد می‌شود.

مانند سایر کتاب‌هایی که در حوزه زنان تقدیم شما شده، این کتاب هم اگرچه با محوریت زنان است، اما راهبردهای مالی آن فراجنسیتی و برای تمام قشرهای جامعه در سنین مختلف است. امید آنکه این کتاب هم مورد پسند شما عزیزان قرار گرفته و اثرگذار باشد.

پیشگفتار مترجم | ۱۱

برای اطلاع از تازه‌های نشر، معرفی و بریده‌ی کتاب‌ها و همچنین ارتباط با مترجم، در شبکه‌های اجتماعی همراه ما باشید.

   @mansbigdeli

با آرزوی بهترین‌ها

منصور بیگدلی

زمستان ۱۴۰۲

www.ketab.ir

## پیشگفتار

قرار بود بیکار بشوم و مرکز حسی بهتر از این نداشتم.

در اواخر سال ۲۰۱۷، تصمیم گرفتم شغل بازاریابی شبکه‌های اجتماعی را -که اولین شغل ثابتم بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه بود- رها کنم تا وارد شغل دیگری بشوم. هر زنگ خطر و هشدارهای واضح و مشهودی را که حین مصاحبه به چشم دیدم، نادیده گرفتم و تحت هر شرایطی با کار موافقت کردم، واقعا اشتباه بزرگی کردم!

تنها یک هفته از شروع کار من در شرکت جدید گذشته بود که رئیس مجموعه من را احضار کرد. من حتی فرصت کافی برای حفظ کردن کد ورودی سرویس بهداشتی ساختمان هم نداشتم، چه برسد به اینکه بتوانم گزارش عملکرد سازمان را ارائه دهم. به همان شکلی که در دفتر رئیس، نشسته بودم و باعجله همه چیز را یادداشت می‌کردم، او به صورت من خیره شد و گفت: «نگرانی من از این است که از استخدام تو پشیمان شوم».

تقریباً ده هفته‌ی آینده از آن احضار را هرروز گریه کردم. از فکر چگونگی اتمام و تحویل این کار، وحشت‌زده بودم! باید روز کریسمس، قید شام خانوادگی را می‌زدم تا با وحشت کامل به صفحه‌ی نمایش کامپیوترم زل بزنم و پروژه‌ای را به پایان برسانم

که به من گفته شده بود که تحویل آن، سرنوشتن را در شرکت تعیین می‌کند. کاملاً احساس بی‌قدرتی می‌کردم؛ چرا که او به من احساس ترس و حقارت داده بود. اگر این کتاب را انتخاب کرده‌اید و از قبل با داستان من آشنا هستید، آخرین واژه‌هایی که برای توصیف من استفاده می‌کنید: «ترسیده و حقیر» خواهند بود. به عنوان مؤسس و مدیرعامل شرکت آموزش مالی اولین صدهزار دلارش، مقابل هزاران نفر سخنرانی کرده‌ام. در حال حاضر مجری یک پادگست پُرمخاطب در حوزه‌ی کسب و کار هستم و مرتباً، با ژ ژ لب براق و ژاکت چرمی، در پلتفرم‌هایی مانند نیویورک تایمز و برنامه‌ی تودی حضور دارم. من دیگر ترسیده و با کوله‌باری از حس حقارت فعالیت نمی‌کنم، اما مدت زمانی که آن شغل سمی را داشتم، عمیقاً احساس شرم و ناتوانی می‌کردم و همیشه اضطراب زیادی داشتم.

پس از آن، حساب بانکی‌ام را چک کردم. طی دو سال گذشته، با تلاش زیاد، بخشی از حقوق ماهانه‌ام را برای بودجه‌ی اضطراری پس انداز کرده بودم. کم‌کم در حال زیاد کردن نخستین ۱۰۰ هزار دلارم بودم. یعنی داستان شخصی شرکتی که در کنار آن، شغلم را شروع کردم. این پول برای هزینه‌ی لاستیک ماشین، هزینه‌ی یک درمان پزشکی غیرقابل انتظار و یا یک شغل سمی بود. بعد از آن متوجه شدم که دیگر مجبور نیستم حتی یک روز را هم در آن شغل بمانم، چون گزینه‌هایی دیگری در دست داشتم.

پس، در یک روز سرد ژانویه، باید (مؤدبانه) به یک موقعیت بد می‌گفتم: «گمشوا!» از در که بیرون آمدم، برای نخستین بار در این چند ماه، کمی صاف‌تر ایستادم و لبخند زدم. حالا دیگر من اوضاع را کنترل می‌کردم، به جای اینکه دائماً کنترل بشوم. حس خوبی داشت. این همان حس است که برای هر زنی می‌خواهم.

من خیلی خوش‌شانس بودم از اینکه والدینی را کنار خود داشتم که به من آموزش مالی دادند. پدرم را می‌دیدم که به‌طور منظم با شرکت خدمات کابلی

تماس می‌گرفت تا برای صورت‌حساب‌ها مذاکره کند. مادرم را می‌دیدم که دفتر چک را روز سیزدهم و بیست و پنجم هر ماه (با استفاده از نرم‌افزار عهد دَقیانوس) تراز می‌کند. آن‌ها به من یاد دادند که چطور هوشمندانه پس‌انداز کنم، چطور مسئولانه از کارت اعتباری استفاده کنم و چطور از پول، به عنوان ابزاری برای ساختن زندگی دلخواهم استفاده کنم. ما با هم کار می‌کردیم - والدینم با دقت پس‌انداز می‌کردند و من در دوران مدرسه، سه شغل داشتم تا بتوانم بدون بدهی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شوم - آنها در دوران بلوغ خود از نظر عاطفی و مالی، ثبات زیادی نداشتند، به همین دلیل متعهد بودند تا زندگی باثباتی را از نظر عاطفی و مالی برای من فراهم کنند.

از آنجایی که هیچ تفاوتی بین خودم و بقیه نمی‌دیدم، تصور می‌کردم این حمایت‌ها برای همه همین‌طور است. گمان می‌کردم همه این نوع ثبات و برخورداری از راهنمایی‌ها را دارند. اما وقتی بزرگ‌تر شدم - دبیرستان به پایان رسید و به کالج رفتم - متوجه شدم آموزش مالی یک مسئله‌ی تشریفاتی است که فقط افرادی می‌توانستند آن را به خانواده‌هایشان منتقل کنند که به منابع مالی خوبی دسترسی داشتند. داشتن آموزش مالی یک مزیت بود. اینکه یک زن سفیدپوست دگرجنس‌گرا باشی یک امتیاز بود و این مزیت، مسئولیت داشت.

سال ۲۰۱۶ از کالج فارغ‌التحصیل شدم - یعنی دو سال پیش از آنکه دونالد ترامپ انتخاب شود - وقتی وارد دوران زنانگی شدم - یاد گرفتم چگونه زندگی و شغلم را در جامعه‌ای هدایت کنم که ریشه در ظلمی سیستماتیک داشت - آنجا بود که تصمیم گرفتم چه‌کسی باشم و برای چه چیزی ایستادگی کنم؛ شروع کردم به دسته‌بندی امتیازهای خودم و می‌خواستم از آن مزایا برای کمک به دیگران هم استفاده کنم. خود بیست و دو ساله‌ام می‌خواستم چیزی بزرگ‌تر از خودش بسازد. به همین دلیل، اولین صد هزار دلار را راه‌اندازی کردم تا با ارائه‌ی منابع قابل‌توجه به زنان، برای بهتر کردن وضعیت مالی‌شان، با نابرابری مالی بجنگم.

هیچ چیز بیشتر از دیدن اینکه یک زن روی پای خودش ایستاده، به من انگیزه نمی‌دهد. این چیزی بود که خیلی دوست داشتم. اما وقتی به عنوان یک بزرگسال وارد دنیای کار شدم، تبعیض جنسیتی را همه جا دیدم، تا جایی که زنان آنقدر توسری خورده بودند که به قدرت خودشان هم شک داشتند. می‌دیدم که دوستانم کمتر از آنچه حقشان بود حقوق می‌گرفتند. زنان غیرسفیدپوست - اصطلاح ناکافی رنگین‌پوستی - را دیدم که پیوسته در موقعیت‌های مختلف کاری پذیرفته نمی‌شدند. فهمیدم که زنان، اکثریت بدهی را در آمریکا دارند و اینکه آن‌ها کمتر از مردان، پولشان را برای بازنشستگی پس انداز می‌کنند، اگرچه طبق آمار، ما هفت سال بیشتر عمر می‌کنیم.

ایجاد یک ساختار درست مالی، انتخاب‌هایی را نیز ارائه می‌کند. انتخاب‌هایی کوچک، اما تأثیرگذار مانند توانایی رفتن به یک سفر انرژی‌بخش، خریدن لوازم لوکس کوچک بدون احساس عذاب وجدان و یا کمک مالی به کسانی که به آن‌ها باور دارید؛ و انتخاب‌های بزرگ زندگی مانند راه‌اندازی کسب‌وکار، داشتن فرزند یا بازنشستگی زودهنگام. مهم‌تر از همه، انتخاب خارج شدن از موقعیت‌های سمی مانند ترک یک رابطه‌ی آزاردهنده از نظر عاطفی یا شغلی که باعث اضطراب شما می‌شود.

در سال ۲۰۱۷، وقتی در یک موقعیت سمی احساس کردم که قدرت ندارم و ترسیده‌ام، حساب بانکی‌ام پاسخ من بود. ساختار مالی من به این معنا بود که گزینه‌هایی در دست داشتم.

ما در دنیایی مردسالار زندگی می‌کنیم. سیستمی که به نابرابری کمک کرده و مشوق آن است. در این سیستم که اطلاعات و ابزارهای مالی را از گروه‌های به حاشیه رانده شده دور نگاه می‌دارد، استقلال مالی، عملی اعتراضی است. غلبه بر باورهای منفی درباره‌ی پول به منظور پس انداز، پرداخت بدهی، سرمایه‌گذاری و یافتن کاری نویدبخش، عملی اعتراضی است. اولویت دادن

به استراحت به جای فشارهای مختلف، فراوانی به جای کمبود و بخشندگی به جای تَلِ انبار کردن، عملی اعتراضی است. در دنیایی که فعالانه می‌کوشد تا ما را کوچک نگه دارد، باثبات، راضی و قدرتمند بودن، عملی اعتراضی است. بسیار مهم است که تأیید کنیم تا حدی که می‌توانیم، تجربه‌ی مالی خود را کنترل کنیم. مسائل مالی شخصی، ۲۰ درصد انتخاب شخصی و ۸۰ درصد اجبار موقعیت‌هاست. اما مدت‌هاست که متخصصان حوزه‌ی پول می‌گویند که اگر ورشکسته هستید، بدهی یا مشکل مالی دارید، کاملاً تقصیر خودتان است. بدون بحث درباره‌ی ظلم‌های سیستماتیک، نمی‌توانیم درباره‌ی مدیریت مالی شخصی، پول یا علم اقتصاد بحث کنیم. نیروهای بیرونی از قبیل نژادپرستی، تبعیض علیه افراد ناتوان، همجنس‌هراسی، پسرفت، بلایای طبیعی و نبود دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، مرخصی با حقوق یا حمایت از فرزندان - اما نه محدود به این‌ها - باید به خاطر مشکلات مالی، مورد شمات قرار گیرند. فمینیسم مالی به دنبال موفقیت فردی زنان، این مشکلات ساختاری را حل نمی‌کند. این کتاب، نابرابری را حل نمی‌کند. کاپیتالیسم را حل یا حمایت نمی‌کند. جمله‌ی «من توانستم، پس تو هم می‌توانی»، انگیزه‌بخش کارهای نامتعارف یا پایه‌ای برای فرهنگ جنب‌وجوش<sup>۱</sup> نیست، بلکه راهنمای بقاست. درحالی‌که کار می‌کنیم تا سیستمی را که در حال حاضر وجود دارد تغییر دهیم، باید با بهترین توانایی‌مان آن را طی کنیم. ما هنوز هم باید اجاره را پرداخت کنیم، خوراکی‌های خانه را تهیه و از خودمان مراقبت کنیم.

یک فمینیست مالی، کسی است که قدرتی را می‌پذیرد که از پیش آن را در وجود خود دارد تا به خود و اطرافیانش برای رسیدن به برابری مالی کمک کند. وقتی از شما مراقبت شده باشد - که باثبات، راضی و در حال پیشرفت باشید - نه فقط

۱. Hustle: فرهنگی که در آن باید به سختی کار کنید و موفق باشید و بهره‌وری بالایی داشته باشید و اهمیت زیادی برای مسائل دیگر قائل نشوید. (مترجم)

فنجانی پُر خواهید داشت، بلکه می‌توانید فنجان دیگران را هم پُر کنید. من در کارم با اولین صد هزار دلار، دیده‌ام که فمینیسم مالی چگونه زندگی زنان را تغییر داده است. ذَنیل، زنی که بیرون از موزه‌ی هنر در فلورانس من را دید، خود و دخترش را از شوهری آزارگر نجات داد، کسب و کارش را راه‌اندازی کرد و در سفر بخور، دعا کن، عشق بورز در راه ایتالیا بود. موجی، که همیشه می‌ترسید درباره‌ی حقوقش مذاکره کند، اکنون ارزش خود را مطالبه کرده و خود را زنی سیاه‌پوست معرفی می‌کند و مشغول به کار در صنعتی است که اکثریت آن‌ها سفیدپوست هستند. لیز، که به خاطر شغل پُرمشغله‌ی تمام‌وقتش، دومین قرص ضد افسردگی را هم می‌خورد، به مالک شرکت فناوری خودش تبدیل شد. او اکنون ۶۰ هزار دلار بیش از شغل سابقش درآمد و بیش از همیشه احساس اعتماد به نفس دارد.

این کتاب برای شماست که شما مجوز کامل می‌دهم تا هر قسمتی را که خواستید، هایلایت کنید، در حاشیه‌ها یادداشت بنویسید و گوشه‌ی صفحه‌ها را تا کنید. یادداشت‌هایی بنویسید که به شما اطمینان می‌دهد، تکلیفی که می‌خواهید به آن برگردید، چیست و نقل قول‌هایی که برایتان معنادار هستند را مشخص کنید. در این صفحه‌ها، به شما انگیزه می‌دهم که تعمق کنید و لیست انجام کارهایتان را بنویسید. پس، حتماً دفترچه یا وسیله‌ای الکترونیکی برای یادداشت‌کنارتان باشد. همچنین منابع، نکات و راهنمایی‌هایی در سایت [herfirst100k.com/book-resources](http://herfirst100k.com/book-resources) داریم. با خرید کتاب، این‌ها در اختیار شما هستند، پس، لطفاً از آن‌ها استفاده کنید!

اگر واقعاً می‌خواهید تغییر ایجاد کنید، این کتاب باید آهسته و طی جلسات متعدد خوانده شود تا بهترین کارکرد را برایتان داشته باشد. تلاش نکنید در یک جلسه تمام کتاب را بخوانید، چون کلافه می‌شوید و دوباره به سراغش نمی‌روید.

۱. اشاره به فیلم سینمایی Eat Pray Love محصول سال ۲۰۱۰ به کارگردانی رایان مورفی، درباره‌ی زن متأهلی که متوجه می‌شود زندگی متأهلی‌اش چقدر ناراحت‌کننده است و زندگی‌اش باید به مسیر متفاوتی برود. (مترجم)

به خودتان لطف کنید و بین خواندن ها فاصله بیندازید. در همان حال، لطفاً خواننده ای منفعل نباشید. از این مطالب برای ایجاد تغییر واقعی در زندگی تان استفاده کنید. شاید حذف کردن برخی بخش ها وسوسه کننده باشد، به ویژه اگر هم اکنون مشکل مالی دارید و به دنبال یافتن راهکار سریعی هستید. اما من عمداً این کتاب را به این ترتیب نوشتم تا به شما کمک کنم تا در درازمدت، تغییر را در رابطه با پول ببینید. پس، لطفاً کتاب را به شکل پیوسته بخوانید.

در این کتاب، مصاحبه هایی با متخصصان و داستان هایی از جامعه ی اولین صدهزار دلارش آورده شده است. به چند دلیل این کار را انجام دادم. نخست اینکه، می خواستم نمونه های فردی را در قالب مثال بیاورم و دیدگاه های متفاوت را تقویت کنم، به ویژه از گروه های به حاشیه رانده شده. طی لحظه های آسیب پذیری (مانند یادگیری دوباره ی پول)، وقتی کسی تجربه ای را به اشتراک می گذارد که شاید مشابه شما باشد، لایه ای از اطمینان و انگیزه اضافه می کند. دوم، من اول و آخر همه چیز نیستم، به همین دلیل از متخصصان دیگری کمک گرفتم.

فمینست مالی به بهترین شکل در یکی از نقل قول های محبوب من خلاصه شده است: «وقتی هرآنچه نیاز داشتی را داری، میزی بزرگتر بساز، نه حصاری بلندتر.» مأموریت فمینسیم مالی این است که هرآنچه در توان دارید را انجام دهید تا میزی بزرگ و زیبا برای خودتان بسازید و سپس از دیگران دعوت کنید، نه اینکه محافظ آن فراوانی شوید. وقتی همه ی افراد، دور میز تغذیه شدند، حصارهایی را که دیگران ساخته اند از بین می بریم. وقتی از ما مراقبت شود، فقط در آن هنگام است که می توانیم برای تغییر سیستمی کار کنیم که افراد زیادی را از حقوق خود محروم می کند. این کتاب اینجاست تا ابزارهایی برای کمک به هدایت زندگی مالی تان را به شما تقدیم کند، تا وقتی ثبات مالی پیدا کردید و اوضاع عتان خوب شد، بتوانیم با هم علیه این سیستم بجنگیم.

به میز من، فمینست مالی، خوش آمدید. بیایید شروع کنیم.